

مقدمه ناشر کتاب - مفاوضات، طبع

سنه ۱۹۰۸ م

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



مقدمه ناشر کتاب - مفاوضات، طبع سنه ۱۹۰۸ م

﴿ بسمه تعالی ﴾

حمد و سپاس خداوندی را سزااست که از کمال عنایت خود انسان را به پیرایه عقل پیاراست و بدان وسیله او را با کشف اسرار کاینات و معرفت رموز اسماء و صفات خود هدایت فرمود و مشیت ازلیه اش بر آن قرار گرفت که درین دور اعلی که مظهر شروق نور ایهی است شرق و غرب به رابطه محبة الله مرتبط گردد و اختلافات مذهبی و دینی و امتیازات قومی و وطنی مرتفع شود و سطح ارض عامه نوع بشر را یک وطن مشترک گردد. بلی درین یوم بدیع کلّ عباد الله اوراق یک غصن اند و قطرات یک بحر.

منت بی پایان خدای را نیز که این کمینه بی مقدار را با قلت سرمایه طاعت و عدم شایستگی و لیاقت بفیض ملاقات حضرت عبدالبهاء روحی لثراب اقدامه الفداء موفق گردانید و از دست فیاض آن ساقی ازل کأس معانی نوشانید.

پس از آنکه این کمینه چندین مرتبه زیارت ارض مقصود تشرف جست و به منتهای آمال و امانی خود نایل آمد شوق درک حقایق روحانی و اعتراف از آن بحر بیکران معانی سراپای دل او را فرو گرفت پاره



ORIGINAL

ای سؤالات در خصوص امر ابری و سایر مسائل الهیه از آن حضرت نمود و ایشان با نهایت رأفت و عاطفت با وجود مشاغل دائمه یومیّه که آنی از آن راحت نبودند جواب جمیع سؤالات او را در خور فهم وی بیان فرمودند. و به ملاحظه اینکه این کمینه تواند پس از آن بفرغت و فرصت در آن مسائل غامضه تأمل نماید یک نفر کاتب تند نویس معین گردید که بیانات حضرت عبدالهء را در حین تکلم بقید کتابت در می آورد. چون این کمینه را از معرفت زبان پارسی نصیب وافی نبود و از خوض در عباب مسائل معضلهء الهیه حظّی کافی نه حضرت عبدالهء روحی له الفداء غالب اوقات مجبور شده اند که عین یک مطلب را در مواضع متعدده تکرار نمایند و همان استعارات و تشبیهات را که در یک موضوع معین بکار برده اند در بسیاری از موضوعات دیگر استعمال نمایند و با آنکه چنین حقایق عالیه را انشاء عالی در خور است عبارات خود را در کمال بساطت و سادگی بیان نمایند.

باری پس از چندی مجموعهء وجیزه ای از آن سؤال و جوابها فراهم گردید و این کمینه همواره از تأمل در حقایق باهرهء آن متمتع می گشت. پس چنان بخاطر وی رسید که سایر تشنگان زلال معرفت را نیز از این آب حیات جاودانی بی بهره نگذارد و کلّ نفوس را از احباب و اغیار و اقاصی و ادانی از مندرجات حقایق آیات آن منبع فیض سرمدی مستفیض گرداند. لهذا از حضرت عبدالهء رخصت خواست که آن سؤال و جوابها را بهیأت کتابی طبع و نشر سازد و فائدهء آنرا بعموم ناس برساند.

پس از تحصیل اجازه به ترتیب و نظم آن فصول مشغول گردید و آن بیانات را که مانند لآلی منثور بی نظام در گوشه ای افتاده بود در سلک نظم و ترتیبی که بنظر قاصر او مناسب تر و لایق تر می نمود منخرط گردانید و بطبع و نشر آن اقدام نمود و ارباب فضل و معرفت را گنجی شایگان برایگان ارمغان آورد. و امیدوار است که بوسیلهء این کتاب امر اقدس ابری که الیوم جمیع آفاق را منور ساخته و وجههء عالم را دگرگون نموده گوشزد کافهء نفوس گردد و صیت عالمگیر آن بمسامع دور و نزدیک برسد و السلام،

کلیفورد بارنی امریکانیه

پاریس 16 ژانویه 1908

11 ذی الحجه 1325